**کتیبه ای از قرن ششم در خرانق اطلاعی مهم از گذرگاه حضرت ثامن الائمه**

**افشار، ایرج**

با دوستم منوچهر ستوده باز بیابانی شدیم و به سوی(باطات رفتیم از آنجا گریزی‏ به بافق و بهاباد و پشتکوه یزد زدیم.در این سفر اطلاعات بسیار فراچنگ افتاد که از آن جمله‏ کتیبه‏ای است مهم از قرن ششم در خرانق.

خرانق(-خرانه،بصورت خرانه در ترجمهء اصطخری)آبادی کوچک اما کهنه‏ای‏ است بر سر راه یزد به طبس که بر لب خشک رودی افتاده است و امروزه مردمش از حیث‏ زندگی و آسایش در نگرانی و سختی به سر میبرند،زیرا کارشان هیزم‏کنی از کویر و شتر- داری بوده و اکنون بریدن هیزم کویر بحق ممنوع شده و شترداری از میان رفته است.

در کنار گورستان خرانق بقعهء گلین ویرانهء یک اطاقی گنبدی شکل هست که به مشهدک‏ mashhadok مشهور است و گاه‏به‏گاه قرّاء در آنجا به قرآن‏خوانی میپردازند.در این بقعه‏ سنگ خاکستری رنگ 29

27 سانتی‏متری بر سمت قبلی دیوار آن(محراب مانند)نصب است‏ که بخط نسخ بر آن نوشته‏ای نقر شده است.

مطلب این کتیبه حاکی است از شیوع داشتن روایت عزیمت حضرت ثامن الائمه علی بن موسی‏ الرضا علیه السلام(153-203)از طریق یزد به طوس در قرن ششم و از این جهت واجد اهمیت‏ خاصی است.یعنی از نوع اخباری نیست که در عهد صفوی و رواج یافتن مذهب تشیع بر سر زبانها افتاده است.

نکتهء دیگر آن‏که کتیبهء سنگی به فارسی است و از لحاظ قدمت نظایر فراوان ندارد و مخصوصا چون در رسم الخطش ضبط و دقت مخصوص بکار رفته است اطلاع از آن برای علاقه- مندان خالی از فایده نخواهد بود.این است آن کتیبه و امیدست مرجعی بدادش برسد1و در حفطش بکوشد که در آن بیابان دزدان شهری بسیارند.

در همین سفر سنگ قبر برادر ابو الفضل رشید الدین میبدی مؤلف تفسیر نفیس و لطیف‏ کشف الاسرار که خود مردی عالم بوده است در گوشه‏ای دیده شد که هم سنگ ظریف و هنرمندانه است و هم نکته‏ای مهم را در باب نسب مؤلف کشف الاسرار مکشوف می‏سازد.شرح‏ این مطلب مهم به صفحاتی مستقل واگذار می‏شود.

(1)-هیچ مرجعی مؤثرتر از انجمن آثار ملی نیست،و هیچ نگاهبانی از سپهبد فرج اللّه‏ آق اولی دلسوزتر نه.(مجلهء یغما)

«لا اله الاّ اللّه محمّد رسول اللّه امیر المؤمنین‏1

بتاریخ سنهءست و تسعی و مائة علیّ‏2بن موسی الرّضا اینجا رسیده‏ است و درین مشهد فروآمد و مقام کرد و به تاریخ سنهء اثنی و تسعین و خمسمائة مشهد خراب بود و از جهد(؟)بوبکر بن علی‏ ابی نصر رحمه اللّه‏3فرمودند و به دست ضعیف و پرگناه یوسف بن‏ علی بن محمّد بنا واکرده شد.

خدایا بر آن کس رحمت کن کی یک بار قل هو اللّه به‏ اخلاص در کار آنک فرمود و آنک کرد و آنک‏4خواند.کتبه‏ یوسف بن علی بن محمّد.فی شهر ربیع الاول سنة خمس و تسعین‏ و خمسمائة.»

(1)-امیر المؤمنین بصورت منفرد در کنار دست چپ کنده شده است.

(2)-بالای یاهای آخر در تمام کتیبه دو نقطه کنده شده است.

(3)-رحمه اللّه بالای سطر تحریر شده.

(4)-«و آنک»زائد بنظر می‏رسد.